

## اسرار دماوندیه

نگاهی به کتاب «مفتاح اسرار الحسینی» مولی عبدالرحیم دماوندی

علی صدرایی خوبی \*

### چکیده

این مقاله مروری است بر کتاب مفتاح اسرار الحسینی نوشته عبدالرحیم دماوندی (قرن ۱۲) که در سال ۱۱۶۰ ق نوشته و برخی از مطالب مرتبط با امام حسین X را به شیوه عرفانی به زبان فارسی توضیح داده است. نگارنده علاوه بر برخی از شهودات مؤلف کتاب، اساتید، شاگردان، شرح حال علمی، جایگاه دماوندی نزد دانشوران و کتابهای او را گزارش می کند. آنگاه موضوعات مطرح شده در کتاب مانند توحید و نقد برخی از صوفیه و تفسیر پاره ای از عقاید شیعی بر مبنای مفاهیم عرفانی را بیان می دارد و نسخه های خطی و چاپی کتاب را می شناساند.

### کلیدواژه ها

مفتاح اسرار الحسینی (کتاب)؛ دماوندی، عبدالرحیم؛ امام حسین X - آثار مرتبط؛  
آثار عرفانی - قرن دوازدهم؛ عالمان شیعه - قرن دوازدهم.

\* کتابشناس، نسخه شناس و پژوهشگر در حوزه متون کهن.



## درآمد

مولی عبدالرحیم دماوندی، از عارفان شیعی سده دوازدهم هجری ایران زمین است. چند دهه اول عمر او، در اواخر عهد صفوی، در اصفهان سپری شده، و او در این شهر نزد عارف نامی ملا محمد صادق اردستانی، درس تعلیم عرفان و حکمت آموخته است. با دگرگون شدن اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران زمین بعد از سقوط صفویه در سال ۱۱۳۵ق، او از اصفهان کوچیده و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت سید الشهداء  $\times$  در کربلا رحل اقامت افکند و تا آخر عمر، امام جماعت آن آستان عرش مقام را بر عهده گرفته و از عنایات بی انتهای آن امام همام، قدح معرفت نوشید. او بعد از لبریز شدن پیمانانه معرفتش، دست به قلم برد و آنچه از اسرار دریافتی از حضرت سید الشهداء  $\times$  را - که امکان بیان و اظهار آن ممکن بود - در مفتاح اسرار الحسینی<sup>۱</sup>، برای جویندگان معارف راه، بیان نمود.

دماوندی در مقدمه کتابش عنوان می‌کند که بنا دارد در این کتاب بخشی از آنچه را که از عنایات مرشدش امام حسین  $\times$ ، نصیبتش شده، اظهار نماید و حجاب از روی اسرار دریافتی از آن حضرت بگشاید. باید گفت که او به خوبی از عهده وعده‌اش بر آمده و مطالبی از مکاشفات و الهامات بیان نموده و حقایقی از سیر و سلوک و دریافت‌های معنوی و عرفانی خود را ذکر کرده، که در کمتر اثری، این گونه اسرار دریافتی از اهل بیت <sup>^</sup>، بدین صراحت لهجه و فاش گویی، بیان شده است.

این نوشته نظری دارد بر کتاب مفتاح اسرار الحسینی، با تاملی از یافته‌های جدیدی که در احوال دماوندی در طی چند دهه بعد از انتشار اول این اثر، از طریق نسخه‌های خطی، به دست آمده است.

\*\*\*

۱ کتاب مفتاح اسرار الحسینی، تألیف عبدالرحیم دماوندی (متوفای بعد از سال ۱۱۶۱ق)، اول بار با تحقیق و تصحیح استاد سید جلال الدین آشتیانی در ضمن جلد سوم کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (چاپ اول، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۵ش، ص ۵۷۵-۷۹۰؛ چاپ دوم: قم، ۱۳۷۸ش، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۶۹۹-۹۲۳)؛ و بار دوم با تحقیق و تصحیح اینجانب، به صورت کتابی مستقل، از سوی انتشارات آیت اشراق (قم، پاییز ۱۳۹۸ش، ص ۴۸۰، قطع وزیری)، منتشر شده است. ارجاعات این نوشتار به کتاب مفتاح به همین تصحیح اخیر خواهد بود.



# مفتاح اسرار الحسینے

## در اسرار سیر وسلوک

عنايت شده از سال ۱۳۰۷ هجری قمری حضرت سید الشهدا علیه السلام

پدید آورنده:

مولی عبد الرحیم بن یونس دماوندی رحمته اللہ علیہ  
(درگذشته در کربلا بعد از سال ۱۱۶۱ هجری قمری)

تصحیح و تحقیق و تقدیم  
علی صدرايي خویی

تصویر جلد نسخه چاپ شده کتاب مفتاح اسرار الحسینی



## ۱) عبدالرحیم دماوندی عارف شیعی

### ۱/۱) نام و نام پدر

دماوندی در مقدمه اغلب آثارش، خود را «عبدالرحیم بن محمد یونس دماوندی»، معرفی نموده است. و تردیدی در باره نام او و نام پدرش و نیز انتسابش به شهر دماوند، وجود ندارد. بنابر این یادداشت نایب الصدر شیرازی، که در طرائق الحقائق، نام پدر دماوندی را «یوسف» درج نموده، صحیح نیست.<sup>۱</sup>

### ۲/۱) تاریخ و محل تولد

تاریخ تولد دماوندی معلوم نیست، او در آثارش هیچ اشاره‌ای به تاریخ تولد خود نکرده است، ولی در همه مواردی که از خود یاد کرده، خود را «دماوندی» معرفی نموده، که نشانگر انتساب وی به شهر دماوند است. روشن نیست که آیا خود «عبدالرحیم» در دماوند متولد شده، یا انتسابش به آن شهر به جهت دودمانش بوده که اصالتاً از «دماوند» بوده اند. از اجداد وی در دماوند نیز اطلاعی در دست نیست.<sup>۲</sup>

### ۳/۱) تاریخ درگذشت

تاریخ ارتحال دماوندی، مانند تاریخ تولد وی نیز مضبوط نیست، ولی بر اساس اینکه دماوندی، کتابش مفتاح اسرار الحسینی را در سال ۱۱۶۱ق به پایان رسانده، تاکنون تاریخ درگذشت او را بعد از این تاریخ ذکر نموده اند. اخیراً نسخه‌ای از مفتاح اسرار الحسینی، شناسایی گردیده، که محمد بن نور الدین محمد اصفهانی، آن را در روز جمعه ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ ق، به پایان رسانده و در ترقیمه، از دماوندی با دعای (دام ظلّه) یاد می‌کند، بنابر این دماوندی تا تاریخ مذکور - یعنی ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ق - در قید حیات بوده و درگذشتش قطعاً بعد از این سال اتفاق افتاده است.

۱ ر.ک: طرائق الحقائق، نایب الصدر شیرازی، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲ برای اطلاع از جغرافیای تاریخی و طبیعی شهر دماوند، به دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ص ۹۵-۹۹، مدخل «دماوند»، نوشته علیرضا شاه حسینی رجوع شود.

## ۴/۱) رشد و بالندگی

در باره تحصیلات علمی و رشد و بالندگی دماوندی، اطلاعاتی اندکی در دست است. آثار دماوندی مشحون از تحقیقات فلسفی و عرفانی است. او در آثارش در موارد متعدد از ملا محمد صادق اردستانی (م ۱۱۳۴ق)، حکیم معروف اواخر عهد صفوی به عنوان استاد خودش یاد کرده است. بنابر این دماوندی حکمت و عرفان را در اصفهان - قبل از محاصره آن شهر توسط افغانه - فرا گرفته است. او در این شهر علاوه بر اردستانی از محضر ملا خلیل قائنی اصفهانی و حکیم میرزا حسن لاهیجی (م ۱۱۲۱ق)، استفاده نموده و بعد از سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ق، این شهر را ترک و ساکن کربلا گردیده است. او تا آخر عمرش ساکن کربلا بوده و در همان شهر دار فانی را وداع گفته است. سید عبد الله جزایری که دماوندی را در کربلا ملاقات نموده و با وی گفتگوی علمی داشته، در باره دماوندی می گوید که: «وکان امام الجماعة فی المسجد» امام جماعت مسجد بود. ولی نام مسجد را ذکر نکرده است. به احتمال زیاد عبارت صحیح «وکان امام الجماعة فی المشهد» است که در نسخه چاپی به «المسجد» تصحیف شده و منظور آن بوده که وی امام جماعت مشهد حسینی یعنی بارگاه ملکوتی حضرت سید الشهداء × بوده است.

دماوندی در کربلا جلسه درس داشته و از جمله شاگردان او شهید نصر الله مدرس حائری (شهادت حدود ۱۱۶۸ق) می باشد که در دیوانش، عبدالرحیم دماوندی را به عنوان استادی که از محضرش کسب علم نموده، ستوده است.<sup>۱</sup>

## ۵/۱) گرایش عرفانی دماوندی

در باره گرایش عرفانی دماوندی و وابستگی او به سلسله های عرفانی، نظر واحدی وجود ندارد. نایب الصدر شیرازی، دماوندی را از «اکابر مشایخ سلسله نوربخشیه»، معرفی نموده، ولی سند متقنی برای گفته خود، ذکر نکرده است.<sup>۲</sup> استاد سید جلال الدین آشتیانی در مقدمه مفتاح اسرار الحسینی در باره گرایش عرفانی دماوندی می نویسد:

۱ طبقات اعلام الشیعة، الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، آقا بزرگ طهرانی، ص ۴۲۷.

۲ طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۱۶۳.





«عبدالرحیم بن یونس دماوندی رازی، یکی از تلامذہ حوزه درس مولانا محمد صادق اردستانی است، که ظاهراً به مسلک تصوف گروید و از مشایخ ذہبیہ عصر خود بوده است». استاد آشتیانی نیز دلیلی برای انتساب دماوندی به ذہبیہ ذکر نکرده اند.

عبد الرزاق محدث اصفهانی (م ۱۳۸۳ق) در یادداشتی در آغاز نسخه ای از مفتاح اسرار، دماوندی را از مشایخ سلسله نوربخشیه معرفی نموده است.<sup>۱</sup> به نظر می رسد که این اظهار نظر را وی از کتاب طرائق الحقائق اخذ نموده است.

دماوندی در مفتاح اسرار، از استادش، اردستانی یاد نموده، ولی عنوان نکرده که چه علمی را نزد او تحصیل کرده، ولی به احتمال زیاد اردستانی استاد فلسفه و مرشد عرفانی اش بوده است.

دماوندی در مفتاح، مکرراً از حضرت سید الشهداء × با عبارت «مرشدم» یاد کرده و شاید این به دلیل آن بوده که او نمی خواسته خود را وابسته به سلسله های عرفانی معرفی کند و از آن اجتناب داشته است. به نظر می رسد، اختلاف اساسی بین گفته صاحب طرائق و نظر استاد آشتیانی، به همین دلیل است که اساساً دماوندی به هیچ سلسله عرفانی وابسته نبوده است. زیرا نوربخشیه سلسله ای جداگانه از ذہبیہ است و شیخ سلسله نوربخشیه، نمی تواند از مشایخ ذہبیہ باشد.

## ۲) مکاشفات دماوندی

آنچه توجه علاقمندان را به آثار دماوندی، خصوصاً مفتاح اسرار الحسینی جلب نموده، تهور او در هتک پرده استار اسرار عرفانی بوده است. او در این کتاب به صراحت اعلام می کند که مرشدش، حضرت سید الشهداء × عنایات ویژه ای به او داشته و در خواب و بیداری، درهای اسرار را برایش گشوده است. او هیچ ابایی از به قلم آوردن این اسرار ندارد و در موارد متعدد، با تمام جزئیات آنها را بیان کرده است. برای آشنایی با روحیه عرفانی دماوندی، برخی از یافته های عرفانی او، ذکر می گردد:

۱ این نسخه، بعد از این معرفی خواهد شد.

## ۱/۲) نوشیدن شراب محبت از دست صاحب الزمان #

دماوندی در این مورد می نویسد:

«فقیر بعد از آنی که از دست مبارك خلیفة الرحمن، صاحب الزمان صلوات الله علیه، شراب محبت نوشیدم و شبی برای نماز از خواب بیدار شدم و در خواب در اثنای بیدار شدن، فقره دعایی می خواندم که در لیالی ماه رمضان آن دعا را می خواندم و بس، و این دعا از جمله دعاهایی نبود که ورد کرده باشم، و عجیب تر آن که قریب به هفت ماه از ماه رمضان گذشته بود و به هیچ وجه آن دعا به خاطر من مانده بود و به خاطر آن آوردم که آن دعا را ورد نمایم، روزی يك مرتبه آن دعا را پیش مرشدم و مرشد الكونین ابی عبد الله الحسین × بخوانم و از توجه آن جناب توفیق یافتم. تا روزی با خشوع و حضور قلب برابر آن مرشد الصدیقین ایستاده ام و همان دعا را می خوانم و چون به این فقره رسیدم که: «ومن كل سوء یا اله الا انت فنجانا»، ناگاه جناب حق جل و علا تجلی نمود در قلب این فقیر و مائی من را از من گرفت، محو و بین خود شدم. (شعر)

خود از درون و برون جلوه کرد و من ز میان

چو سایه محو شدم کز دو سو چراغ بر آمد

و حق را در قلب خود می بینم و ملاحظه می نمایم خود را که من نیستم؛ و جناب حق به قوتی تجلی نموده که امکان رفع ندارد، الحمدلله کما هو اهل و مستحقه»<sup>۱</sup>.

## ۲/۲) تاثیر نحوه نشستن در مکاشفه

دماوندی در مفتاح چهاردهم، درباره مکاشفه ای که در باره نحوه نشستن خود در حال ذکر، برایش رخ داده، چنین می نویسد:

«و واقعه ای که به این فقیر روی نموده و مناسب مقام بود، نقل می شود. چون در حال ذکر نحوی از جلوس را اختیار نموده و راحت و محظوظ بودم و آن به این نحو بود که پای راست را بر روی ران چپ می گذاشتم و مشغول مطالعه و ذکر بودم. روزی عنایت ازلی شامل حال شده به همان هیئت که رو به قبله مشغول ذکر بودم، تجلی حق تعالی روی نمود - که از بیان

۱ مفتاح اسرار الحسینی، ص ۱۱۵.





آن عاجزم - در آن حال دوزانو به ادب نشستم و محو بودم و از فضل حق سبحانه و تعالی، این حال استمراری به هم رسانید ... و از آن وقت ترك نمودم آن طور جلسه را. و گاهی بر سبیل سهو تا اراده می نمایم که به آن هیئت بنشینم دفعه آن حال عود می کند. الحمدلله کثیراً کما هو اهله و مستحقه»<sup>۱</sup>.

### ۳/۲) مکاشفه ای برای صحت سند دعا

مؤلف در مفتاح دوازدهم می گوید که در اوایل سلوکش به مناجاتی مشغول بوده و بعداً در واقعه ای، صحت آن مناجات و فوایدش بر وی کشف شده است. او می نویسد:  
«و در اوایل عمل به آن مناجات، واقعه ای دیدم که در آن واقعه کشف شد بر این فقیر صحت آن مناجات و فوایدش و آن این است:

اللَّهُمَّ هذا، اول العدد وصاحب الأبد، ونورك الذي قهرت به غواسق العدم وبواسق الظلم، وجعلته منك وبك واليك دالاً دليلاً، روحه نسخة الأحذية في اللاهوت، وجسده صورة معاني الملك والملكوت، وقلبه خزانة الحي الذي لا يموت، طاووس الكبرياء وحمّام الجبروت»<sup>۲</sup>.

### ۴/۲) مشاهده تاثیر لقمه شبهه ناک

در مفتاح هیجدهم، دماوندی مکاشفه ای را در باره لقمه مشکوکی که خورده و اثر آن را در واقعه دیده، قلم فرسایی نموده، بیان وی چنین است:

«مرد با غیرتی بود، و از هر کسی سؤال نمی کرد؛ مرا به خاطر رسید که به او التماس کنم و به خبّاز حواله ای نمایم که هر قدر نان می خواهد، از خبّاز بگیرد؛ بعد از التماس قبول نمود؛ ما به خبّاز حواله نمودیم و بعد از چند یوم از خبّاز پرسیدم که طلب شما چه قدر شد؟ گفت: فلان قدر؛ ما رفتیم و از شخصی همان قدر قرض کردیم و به خبّاز دادیم. و بعد از دو ماه شخصی مبلغی خمس و مبلغی زکات به ما داد که به مصارف برسانیم. خمس را به اهل خمس، و زکات را به اهل زکات رسانیدیم و به خاطر رسید که مرا چیزی نیست، به قدر آن مبلغی که قرض کردم و به خبّاز دادم؛ از آن زکات به آن قرض دادم و در آخر شب در واقعه می

۱ همان، ص ۱۶۳-۱۶۴.

۲ همان، ص ۱۴۵.



بینم که فضله انسان می خورم و بعد از واقعه در تعجب ماندم و فکرم به جایی نرسید؛ آمدم به زیارت مرشدم حسین بن علی (صلوات الله علیهما) و بعد از زیارت به عقب قبر مبارک ایستادم و می خواهم که نماز بکنم. جناب احدیت به برکت آن سرور به قلبم انداخت سبب آن واقعه را و سببش آن بود که جمعی میهمان ما بودند، یک روز اتفاق افتاد که در خانه ما نان پخته نشد؛ رفتم پیش خبّاز و از او نان گرفتم و گفتم که قیمت این نان را با قیمت آن نان که به آن مرد می دهی، حساب مکن... و خبّاز قیمت نانی که گرفتم را با آن نانی که به آن مرد فقیر می داد، یک جا حساب کرد و گفت: فلان قدر است و ما آن قدر از جایی قرض کردیم و به خبّاز دادیم، و از زکات به آن قرض دادیم و از آن نان ما چاشت کردیم؛ تا این به قلبم افتاد، همان ساعت از مال خود مبلغی به مؤمنی دادم. و در شب دیگر در واقعه می بینم که در مسجدی به کنار آب صافی روانی نشسته ام، و آن فضله که خورده بودم قی می کنم و از دهن و دماغ من آن نجاست می آید؛ بیدار شدم و حمد الهی نمودم. آنچه به این فقیر وارد می شود، محض عنایت مرشدم حضرت سید الشهداء × است.<sup>۱</sup>

### ۵/۲) شهود مرشد کامل

در مفتاح نوزدهم در باره مشخصات مرشد، به شهود خود استناد می کند، وی می نویسد: «و شهود این فقیر شده است که هر قدر مرشد کامل تر است، خلاص از تفرقه بیشتر است تا به مرشد کلّ حضرت مولی الموالی مولانا علی بن ابی طالب × برسد».<sup>۲</sup>

### ۶/۲) ملاقات با شیطان

در مفتاح بیست و دوم، درباره دیداری که با شیطان داشته، چنین نوشته است: «مرا در واقعه اتفاق افتاد ملاقات با شیطان شده است؛ مرد پیر با وقار دیدم و اعوجاجی در پهلوی راست او بود، هر چند نورانی نمود خود را، اما نورش مخلوط به کدورت و ظلمت بود. از او سؤال کردم ابتداء خلقتش را و جواب گفت و این جا جای آن جواب نیست. و این علامات که ذکر کردیم، ارباب شهود نقل نموده اند تا سالک او را بشناسد».<sup>۳</sup>

۱ همان، ص ۱۸۸.

۲ همان، ص ۲۰۳.

۳ همان، ص ۲۲۸.



## ۷/۲ واردات قلبیه مولف

در انتهای مفتاح بیست و دوم، در باره نقش تربیتی انبیا و اولیا، چنین می نویسد:  
«و آنچه از واردات قلبیه این حقیر است که از حق تعالی وارد شده است بر قلبم، نه از افکار دماغیه، و آن وارد این است که:

انبیاء و اوصیاء مرّبی اهل ارض اند باذن تعالی، و بعضی نفوس نزدیک شده اند که به مقام خود برسند و موتِ مرّبی وقت در رسد و آن مرّبی بعد از فوت متوجّه آن نفوس است در این مدت، و منتهی مدت چهل روز است و مرّبی زنده را به آن نفوس رجوعی نیست و هر چند آن نفوس در امور و احکام ظاهر رجوع به مرّبی زنده دارند؛ اما در تکمیل باطن، آن مرّبی که به حسب ظاهر از این عالم رحلت نموده اند، متوجه تربیت است، به اعتبار آن که این تتمه کار خود ایشان است»<sup>۱</sup>.

## ۸/۲ ولایت قبله عارفان است

در مفتاح بیست و نهم، در باره شهودی که برایش در باره مقام ولایت و ولی مومنان رخ داده، چنین می نویسد:

«ای عزیز: و آنچه بر این فقیر کشف شده، بیان می نمایم: روزی به حضور قلب، قرآن تلاوت می کردم، خدای تعالی الهام نمود به قلبم معنی آیه ای که بیان نمی توانم نمود و بعد از آن در واقعه دیدم که داخل مسجد کوفه شدم از راه باب الفیل و در محراب مبارک ولیّ کل × در برابر من پیدا شده است و جبرئیل × از طرف مشرق به مغرب می رود، و در ما بین سماء و ارض و محاذی سمت الرأس من رسید، روی به من کرد و قال: قبلتک هذا، یعنی امیر المؤمنین و قبله موسی و عیسی و یونس و یوسف و ایوب و ... و اسامی انبیاء × می شمردند تا به آخر و از طرف مغرب غروب فرمودند. و مراد از قبله در این مقام، قبله قلوب است»<sup>۲</sup>.

## ۳) دماوندی از نگاه دیگران

با توجه به اهمیت اندیشه و شخصیت عبدالرحیم دماوندی، در چند مصدر از وی یاد شده، بدین عبارت ها:

۱ همان، ۲۵۳.

۲ همان، ۳۰۴.



### ۱/۳ دیدگاه سید عبد الله جزایری

سید عبد الله جزایری، تنها مولفی است که دماوندی را ملاقات نموده و در کتابش از او یاد کرده است. جزایری، فصل چهاردهم از کتابش الاجازة الکبيرة را به عالمانی اختصاص داده که آنها را ملاقات نموده است. او در این فصل ترجمه مختصر شصت و شش شخصیت را که ملاقات نموده، درج نموده است. از جمله دانشمندانی که وی در کربلا، ملاقات نموده، مولی عبدالرحیم دماوندی است که را به عنوان شخصیت بیست و هفتم، ذکر کرده و در باره او چنین نوشته است:

«المولى عبدالرحيم الاصبهاني المجاور بمشهد ابي عبد الله الحسين ×: كان عالماً، ذكياً، مقبولاً، رأيته بالمشهد وتفاوضنا في بعض المسائل. له رسالة في شرح حديث الحقيقة وكان امام الجماعة في المسجد. توفي عُشر الستين رحمة الله عليه»<sup>۱</sup>

### ۲/۳ دیدگاه کبوتر آهنگی

محمد جعفر کبوتر آهنگی همدانی (۱۱۷۵-۱۲۳۸ق) در رساله اعتقادات خود در دو جا مطالبی را از دماوندی نقل نموده است. در مورد اول گوید:

«و فاضل محقق مولانا عبدالرحیم دماوندی در بعضی از رسایل خود آورده است، و به این فقیر سند آن مناجات به چند واسطه از عارف محقق میرزا حسن قمی رسیده، که میرزا به ترتیبی که مذکور می شود، مسند ساخته است آن را به جناب امیر المؤمنین × که در نزد قبر خاتم الأنبياء | می خواندند.

و در اوایل عمل به آن مناجات واقعه ای دیدم که در آن واقعه کشف شد بر این فقیر صحت آن مناجات با فوایدش و آن مناجات این است.»<sup>۲</sup>

منظور کبوتر آهنگی از «بعضی رسایل دماوندی» کتاب مفتاح اسرار الحسينی است و مطلبی را که نقل نمود در مفتاح دوازدهم آن کتاب، بعینه موجود است.

در مورد دوم، کبوتر آهنگی باز در رساله اعتقاداتش، چنین می نویسد:

۱ الاجازة الکبيرة، سید عبد الله جزایری، ص ۱۴۴.

۲ رسائل مجذوبیه، محمد جعفر کبوتر آهنگی همدانی، ص ۱۴۵. مناجاتی که مجذوب آن را نقل نموده، همان است که در بالا در ذکر مکاشفات دماوندی در مکاشفه سوم، نقل گردید.





«و رساله مولانا عبدالرحیم دماوندی که مسمی است به تحفة الحسینیة و در این کتاب نوشته بود که: مبتدی سزاوار است که صورت صاحب اجازه (مرشد) را در نظر داشته باشد تا از تفرقه و وسواس شیطان خلاص بشود و آن اشاره این است: كما قال الصادق x: من لم یکن له قرین مرشد استمکن عدوه من عنقه.»<sup>۱</sup>

مطلبی که کبودر آهنگی از «تحفة الحسینیة» نقل نموده، در مفتاح نوزدهم، کتاب مفتاح اسرار الحسینی است بعینه موجود است و پس از این خواهیم گفت که این کتاب، نام دیگری از مفتاح اسرار الحسینی است.

کبودر آهنگی در رساله مرآت الحق خود نیز در سه جا از مفتاح اسرار، مطالبی به تفصیل نقل نموده است. بار اول در فصل دوم، که فقط از دماوندی و رساله مفتاح اسرار الحسینی وی یاد کرده<sup>۲</sup>، بار دوم در فصل هفتم، ضمن نقل کامل مقدمه کتاب مفتاح، چنین می نویسد: «و مولانا المحقق الکاشف عبدالرحیم دماوندی که در اواخر ایام نادرشاه در عتبات عالیات حیات داشته و مجاور بوده» و در انتهای نقل خود در باره دماوندی چنین می نویسد:

«ضعیف مسکین عرض می نماید که: از این رساله و بعضی رسائل دیگر او را، که عارف خبیری ملاحظه تعریف نماید، علم قطعی به جلالت قدر مصنف و کامل بودن او در مراتب سیر و سلوک و جمیع علوم نظریه می نماید و تتبع کامل داشتن او از احادیث ائمه اطهار صلوات الله علیهم».<sup>۳</sup>

و بار سوم در فصل چهاردهم، مطالب مفصلی را از مفتاح اسرار، نقل نموده است. از این نقل ها معلوم می شود که کبودر آهنگی، به تحقیقات دماوندی اعتقاد کامل داشته و نظرات وی را به عنوان شاهد بر مطالب و عقاید خود، مورد استفاده و نقل قرار می داده است.

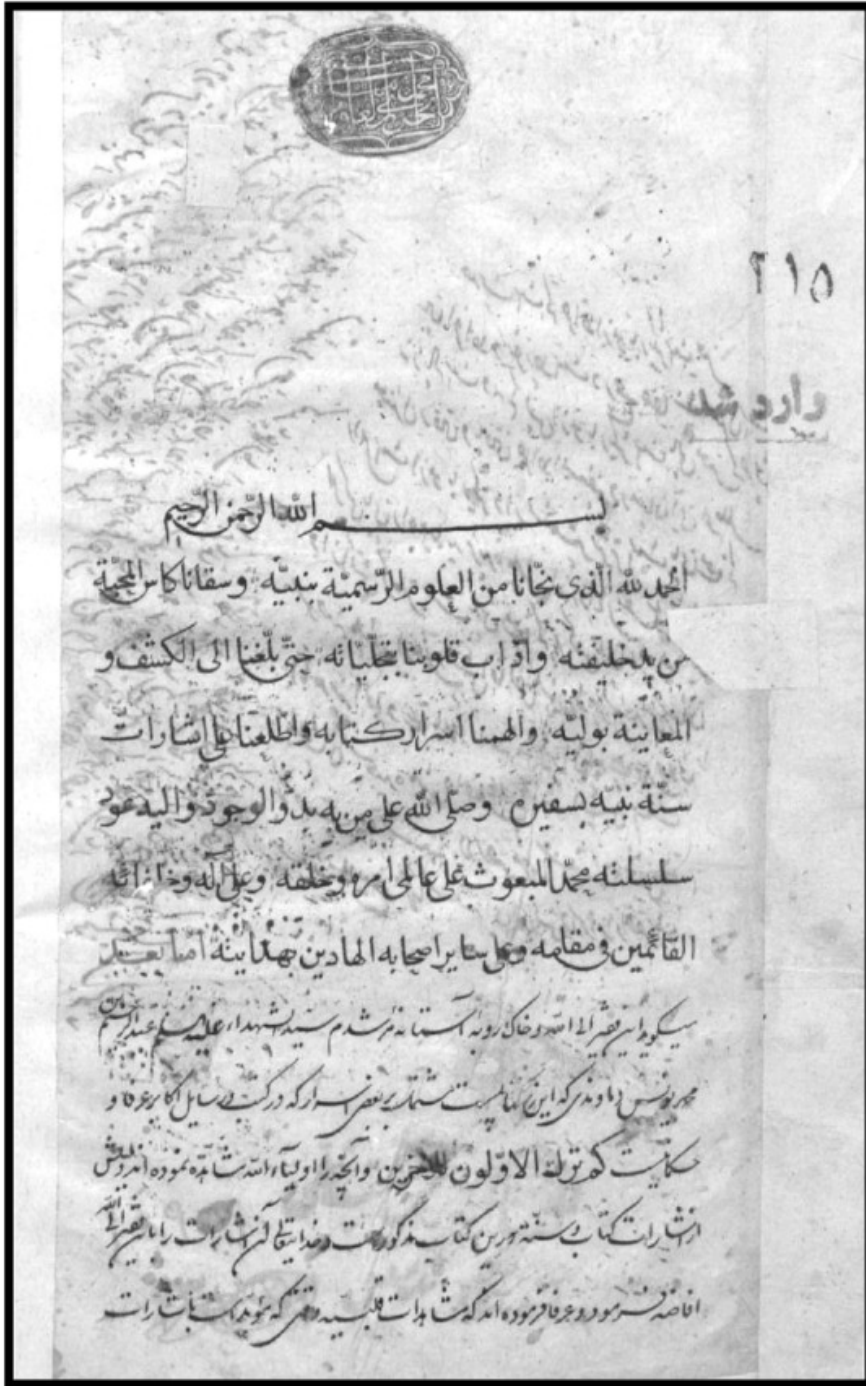
### ۳/۳ دیدگاه نایب الصدر شیرازی

نایب الصدر محمد معصوم شیرازی (م ۱۳۴۴ق) در طرائق الحقائق، که آن را در سال ۱۳۱۳ق، به چاپ رسانده، در باره دماوندی چنین می نویسد:

۱ همان، ۱۵۴.

۲ مرآت الحق، محمد جعفر کبودر آهنگی همدانی، ص ۵۲.

۳ همان، ص ۱۸۲-۱۹۳.



۱. صفحه اول نسخه «الف» با مهر محمد بن مهدی بحر العلوم



«عبدالرحیم دماوندی: و دیگر مولانا عبدالرحیم بن یوسف<sup>۱</sup> الدماوندی است. از اکابر مشایخ سلسله نور بخشیه و مولف کتاب مفتاح اسرار الحسینی و عدد این حروف تاریخ اتمام کتاب گردیده، هزار و یک صد و شصت و این کتاب مشتمل بر سی و هفت مفتاح است»<sup>۲</sup>. چنانچه قبلاً ذکر شد، صاحب طرائق الحقائق، در این ترجمه دچار چند خطا گشته و به اشتباه نام پدر دماوندی را «یوسف» ذکر نموده، در حالی که صحیح آن «محمد یونس» می باشد و او را از مشایخ نوربخشیه، معرفی نموده که درست نیست.

### ۴/۳) دیدگاه استاد جلال الدین آشتیانی

استاد عظیم الشان فیلسوف گراندقدر سید جلال الدین آشتیانی (قدس سره) - که در روز چهارشنبه سوم فروردین ۱۳۸۴ ش، در مشهد رضوی، رخت به سرای باقی کشید و در جوار بارگاه امام رئوف x، آرام گرفت - در اثر سترگ خود، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میر داماد و میر فندرسکی تا زمان حاضر، دماوندی را به عنوان نوزدهمین حکیم الهی ایران زمین، عنوان کرده و برای اولین بار این عارف شیعی را به جامعه علمی معرفی نمود. استاد آشتیانی برای معرفی اندیشه های دماوندی - چنانچه قبلاً ذکر شد - کتاب مفتاح اسرار حسینی او را با مقدمه کوتاهی، منتشر نمود. به دلیل اهمیت مقدمه ایشان، ابتدا نصّ مقدمه ایشان درج، و بعد از آن توضیحاتی پیرامون آن ذکر می شود.

استاد آشتیانی می نویسند:

«ملا عبدالرحیم دماوندی رازی: عبدالرحیم بن یونس دماوندی رازی، یکی از تلامیذ حوزه درس مولانا محمد صادق اردستانی است، که ظاهراً به مسلک تصوف گروید و از مشایخ ذهبیه عصر خود بوده است. حقیر اگر چه با صاحبان سلاسل در تصوّف - به خصوص متأخران از صوفیه و به اصطلاح دراویش - چندان میانه خوب ندارد، چون اقطاب این سلاسل اغلب صاحبان دگه و کم سواد، منغم در دنیا و متعلقات آن می باشند؛ ولی ملا عبدالرحیم شخص استاد دیده

۱ قبل از این ذکر شد که صاحب طرائق الحقائق در اینجا دچار اشتباه شده و نام پدر دماوندی را «یوسف» ذکر کرده که صحیح آن «یونس» است.

۲ طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۱۶۳.

و زحمت کشیده است، لذا به چاپ این اثر جزء منتخبات فلسفی اقدام نمودم. از مؤلف شرح حال مفصّل در دست نیست؛ برخی از تذکره نویسان از او به اجمال یاد نموده اند و او را از تلامیذ اردستانی دانسته اند و خود او نیز در این اثر، بارها از استاد خود یاد نموده است. نام این رساله مفتاح اسرار حسینی در شرح اسماء الهیه است؛ یکی از شاگردان دانشکده الهیات مشهد، فارغ التحصیل فوق لیسانس در فلسفه، این اثر نفیس را جداگانه با شرح حال مفصّل از ملا عبدالرحیم چاپ خواهد نمود. مؤلف گویا تا سال يك هزار و صد و پنجاه، بلکه شاید تا سال های بعد از يك هزار و صد و هفتاد در قید حیات بوده است و مدت‌ها در کربلای معلی و نجف اشرف و بغداد سکونت داشته است و به هند و شام نیز سفر نموده است.

این رساله مشتمل است بر مباحث عالیّه از تصوّف، با قلمی روان که حکایت از خُبرگی مؤلف در مباحث الهی می‌نماید. مشهد مقدس رضوی، ۲۶ ذی حجة الحرام، سنه ۱۳۹۶ من الهجرة النبویة، سید جلال الدین آشتیانی».

ایشان، صفحه عنوان کتاب را چنین نوشته‌اند:

«شرح اسرار اسماء حسنی یا اسرار حسینی تألیف عبدالرحیم دماوندی رازی»<sup>۱</sup>.

در مقدمه استاد آشتیانی، چند نکته قابل ملاحظه است:

یکم) استاد آشتیانی، در این مقدمه دماوندی را «از مشایخ ذهبیه عصر خود»، دانسته، ولی چنانچه قبلاً ذکر شد، ایشان سندی بر این مدعا نکرده و در هیچ ماخذی، هم شاهدی بر آن وجود ندارد.

دوم) نوشته‌اند: «مؤلف گویا تا سال يك هزار و صد و پنجاه، بلکه شاید تا سال های بعد از يك هزار و صد و هفتاد در قید حیات بوده است»، باز سندی بر آن نداده اند - و چنانکه قبل از این ذکر شد - آخرین خبری که از حیات دماوندی در دست است جمادی الثانی سال ۱۱۶۲ق است و در هیچ ماخذی ذکر نشده، که وی تا بعد از ۱۱۷۰ق در قید حیات بوده باشد.

۱ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، چاپ اول ص ۵۷۸-۵۷۹؛ چاپ دوم، ص ۷۰۱-۷۰۲. شایان ذکر است که در چاپ اول این اثر، استاد آشتیانی تاریخ اتمام مقدمه را، در آخر مقدمه «مشهد مقدس رضوی، ۲۶ ذی حجة الحرام، سنه ۱۳۹۶ من الهجرة النبویة، سید جلال الدین آشتیانی» ذکر نموده، ولی در چاپ دوم ان، ناشر این تاریخ را از آخر مقدمه حذف و در آخر رساله، آورده است.



سوم) استاد نوشته اند: «نام این رساله مفتاح اسرار حسینی در شرح اسماء الهیه، است.» معلوم نیست استاد آشتیانی پسوند «در شرح اسماء الهیه» را بر چه اساسی در ادامه نام کتاب، اضافه نموده اند. زیرا موضوع این کتاب عرفان نظری و عملی و بیان مکاشفات است و بحثی در باره اسماء الهی در آن به چشم نمی خورد و در هیچ يك از نسخه های این کتاب، این قید توضیحی، دیده نمی شود.

### ۵/۳ دیدگاه شیخ آقا بزرگ تهرانی

کتاب پژوهش سترگ شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعة، تحقیقی در خور ستایش از احوال دماوندی ارائه نموده است:

«عبدالرحیم الدماوندی: (م نیف و ۱۱۵۰) هو این محمد یونس الاصفهانی الحکیم العارف الصوفی من تلامیذ الملا صادق الاردستانی (م ۱۱۳۴ق) الذي طرد من اصفهان لتطرفه فی الفلسفة، فهاجر التلمیذ الی کربلا وجاور الحائر. قال عبدالله الجزائري فی الاجازة الکبیرة: کان عالماً ذکياً مقبولاً، رایته بالمشهد وتفاوضنا فی بعض المسائل، له رسالة فی شرح حدیث الحقیقة وکان امام الجماعة فی المسجد وتوفی عشر السنین (ای الستینات).

اقول: هو مولف «شرح کلام الامیر × فی العالم العلوی» و«الفیوضات الحسینیة» المدرجة جمیعه فی اللجنة الاولی من «الجتان المدهامتان» المطبوع نقلاً عن نسخة کتابتها سنه ۱۱۷۱ق، واحال فیله الی شرحه لکلام الامیر × یعنی حدیث الحقیقة وحاشیته علی تفسیر الصافی. وصفه بعض تلامیذه بقوله: الخبر الملی المبرز للحقائق، استادی وعلیه استنادی. وقال انه علم الاخ الرشید آقا محمد حسین کیفیة صلاة اللیل علی النحو الماثور. وله مفتاح اسرار حسینی ورايت فی سفري بطهران سنه ۱۳۸۰ ق رسالته فی حدوث العالم ذاتاً وقدمه زماناً ومعه رسالته فی القضاء والقدر ذکر فی اواخرها ان لرشید الدین بن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) شرح للخطبة المعروفة بخطبة البیان وكذلك لابی الفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی (۴۷۹-۵۴۸ق) شرح للخطبة. ويظهر من نقله وجودهما عنده. رایتهما فی طهران سنه ۱۳۸۰ق وتاریخ کتابتهما ۱۲۶۹ق!»

۱ طبقات اعلام الشیعة، الکواکب المنتثرة فی القرن الثانی بعد العشرة، آقا بزرگ تهرانی، ص ۴۲۵-۴۲۶.



### ۶/۳ دیدگاه ذکاوتی قراگزلو

آقای علیرضا ذکاوتی قراگزلو در مدخل کوتاهی در دایرة المعارف تشیع، دماوندی را چنین معرفی نموده اند:

«دماوندی، عبدالرحیم بن محمد یونس، از علما و عرفای شیعه در قرن دوازدهم هجری. وی شاگرد محمد صادق اردکانی و صاحب کتابی در عرفان شیعی به نام مفتاح اسرار حسینی است که در کربلا نوشته است. کبوتر آهنگی در مرآت الحق و العقاید المجذوبیة (اعتقادات) از آن نقل می کند، تاریخ تالیف کتاب ۱۱۴۹ ق و درگذشت مولف بعد از ۱۱۵۰ ق است. از کلمات اوست که سالک باید در بدو حال برای جمع شدن خاطر باید صورت شیخ را در نظر بگیرد و مشغول سلوک گردد. منابع: بستان السیاحة، ص ۳۱۳ و ۴۱۳؛ الذریعة ج ۲۱، ص ۳۱۶»<sup>۱</sup>

در این نوشته کوتاه، دو سهو صورت گرفته:

نخست آنکه نام «محمد صادق اردستانی» اشتهاً «محمد صادق اردکانی ذکر شده، دوم آنکه تاریخ تالیف کتاب مفتاح اسرار حسینی، سال ۱۱۴۹ ق ذکر شده، در حالی که سال ۱۱۶۰ ق صحیح است.

### ۷/۳ دیدگاه عبدالله صلواتی

آقای عبدالله صلواتی در دانشنامه جهان اسلام در مدخل «دماوندی، عبدالرحیم بن محمد یونس»، گزارشی از احوال و آثار دماوندی را در یک ستون دانشنامه نگاشته است. این گزارش اغلب برگرفته از آثار دماوندی است.<sup>۲</sup>

### ۸/۳ در تراجم الرجال

استاد معظم آقا سید احمد اشکوری مدّ ظلّه العالی، در اثر ارزشمند خود تراجم الرجال، در دو جا از دماوندی یاد کرده، بار اول در ضمن احوال سید حسن بن محمد امین موسوی حائری، که دماوندی رساله شرح حدیث «صورتہ عاریة عن المواد»، را به نام او نگاشته است.<sup>۳</sup>

۱ دایرة المعارف تشیع، ج ۷، ص ۵۷۹.

۲ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ص ۱۰۳.

۳ تراجم الرجال، سید احمد حسینی اشکوری، ج ۱، ص ۲۵۱.





بار دوم در ذیل احوال استادش محمد صادق اردستانی، ولی برای خود عبدالرحیم دماوندی، عنوانی منعقد نکرده است.<sup>۱</sup>

#### ۴) آثار دماوندی

دماوندی عارفی است که دوست داشته، یافته هایش را به قلم آورد. لذا او آیات و روایات را بر اساس یافته‌های درونی و باورهای فلسفی اش، شرح و تفسیر می‌کند. اثر عمده دماوندی کتاب مفتاح اسرار الحسینی است که تمامی باورها و یافته هایش را در آن درج نموده است. او علاوه بر این کتاب، چند رساله کوتاه، در بیان توحید به روش عرفانی و شرح برخی روایت های عرفانی نگاشته است که در مفتاح اسرار از آنها یاد کرده است.

برخی از آثار دماوندی، به دو نام خوانده شده و متأسفانه در فهرس، هر نام، به عنوان رساله ای جداگانه تلقی شده است. عنوان های مشترك در آثار دماوندی چنین است:

- رساله فیوضات حسینی که به نام تفضیل الانسان علی القرآن نیز نامیده می‌شود.
  - رساله حلّ رموز رضویه که با نام شرح حدیث راس الجالوت نیز خوانده شده است.
  - مفتاح اسرار الحسینی که به نام تحفه حسینی نیز خوانده می‌شود.
- بر اساس تفحص انجام شده، تاکنون یازده اثر از دماوندی شناسایی شده، که نسخه های خطی نه اثر موجود است. عنوان و مشخصات این نه اثر عبارتند از:

#### ۱/۴) تحفه حسینی

محمدجعفر کبودر آهنگی در رساله اعتقادات خود، مطلبی را از رساله تحفه الحسینیة عبدالرحیم دماوندی نقل نموده است.<sup>۲</sup> همچنین نسخه ای از منتخب تحفه حسینیة عبدالرحیم دماوندی، در ضمن جنگ نفیس فلسفی و عرفانی عماد الدوله بدیع میرزا قاجار، تحریر شده است. این منتخب در فهرست مجلس چنین معرفی شده است:

منتخب تحفه حسینیة (ص ۹۷۰-۱۰۴۱): منتخبی است از رساله عبدالرحیم بن محمد یونس دماوندی (قرن ۱۲) با عناوین «مفتاح - مفتاح»؛ می‌دانیم که دماوندی اثری دارد موسوم

۱ همان، ج ۳، ص ۳۷۶.

۲ رسائل مجذوبیه، محمدجعفر کبودر آهنگی، ص ۹۶-۹۷.

به مفتاح اسرار حسینی و نیز فیوضات حسینیة از همین دماوندی در فهرستواره کتاب های فارسی (ج ۶، ص ۲۰۵) معرفی شده است:

آغاز: بسمله. منتخب از رساله موسومه بتحفة الحسینیة میرزا عبدالرحیم دماوندی علیه الرحمة. فصل اول فی اثبات الصنایع (کذا) شیخ اشراق قدس سره این نوع ... انجام: ... برای افضل خلق است که سید ما باشد و لهذا موسی × ممنوع شد از آن در این نشئه. شانزدهم.<sup>۱</sup>

مطلب نقل شده از تحفه حسینیة توسط کبودر آهنگی، در مفتاح نوزدهم مفتاح اسرار حسینی، بعینه موجود است. همچنین مشخصات ذکر شده برای منتخب تحفه حسینیة، با مشخصات مفتاح اسرار مطابقت کامل دارد، لذا می توان با اطمینان کامل گفت که «تحفه حسینیة»، نام دیگری برای مفتاح اسرار الحسینی است و اثری جداگانه ای نمی باشد.

#### ۲/۴) حاشیه تفسیر صافی

حاشیه بر تفسیر صافی ملا محسن فیض کاشانی. دماوندی در رساله اش فیوضات حسینیة از این حاشیه یاد کرده، ولی تاکنون نسخه ای از آن شناسایی نشده است.<sup>۲</sup>

#### ۳/۴) حل رموز رضویة (= شرح حدیث رأس الجالوت)

شرحی است فلسفی بر جمله منسوب به حضرت امام رضا × که فرموده: «بینا انت انت صرنا نحن نحن». دماوندی در این شرح از احادیث و اشعار عرفا و گفته های ملاصدرا استفاده نموده است. او این شرح کوتاه را به التماس بعضی از برادران ایمانی نگاشته شده و در آن حل رموز حدیث را می نماید. تاکنون از این رساله پنج نسخه شناسایی شده است.<sup>۳</sup>

#### ۴/۴) رساله در حدوث عالم

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة و طبقات، عنوان نموده که نسخه این اثر را - که تحریر سال

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۴۴، ص ۱۷۰-۱۷۸، نسخه ش ۱۵۹۸۲  
۲ الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۲۸۱، با عنوان: «تفسیر المولی عبدالرحیم الدماوندی» و ج ۶، ص ۴۵ با عنوان: «حاشیة تفسیر الصافی».  
۳ فنخا، مصطفی درایتی، ج ۱۹، ص ۴۶۰.



۱۲۶۹ق بوده - در تهران، به همراه رساله قضا و قدر دماوندی در ضمن يك مجموعه، ملاحظه نموده است. آقا بزرگ می افزاید که این رساله را دماوندی در روز پنج شنبه در هفتم ماه صفر ۱۱۳۷ ق به پایان رسانده و آغاز آن چنین است:

آغاز: الحمد لله الدال علی وجوده بخلقه و علی قدمه بحدوث خلقه...<sup>۱</sup>

#### ۵/۴) شرح حدیث عاریه عن المواد عالیة عن القوة و الاستعداد

این شرح را دماوندی به درخواست سید حسن بن محمد امین موسوی حائری، در کربلا تالیف نموده و در مفتاح اسرار حسینی از آن یاد کرده است. این حدیث را آمدی در غرر الحکم، نقل نموده است. بر اساس آن شخصی از امام علی × در باره عالم علوی سوال نموده، و امام در جواب وی فرموده‌اند که:

«صورت عاریه عن المواد، عالیة عن القوة والاستعداد، تجلی لها فاشرت...».

این شرح به شیوه فلسفی برگزار شده، و تاکنون نه نسخه از آن شناسایی گردیده است.<sup>۲</sup>

#### ۶/۴) شرح دعاء السمات

تاکنون يك نسخه از این اثر شناسایی گردیده است. این نسخه در کتابخانه وزیری یزد، در ضمن مجموعه شماره (۴۰۳۸)، قرار دارد. شرح دعای سمات رساله سوم این مجموعه است که تحریر آن در سال ۱۲۲۷ق صورت گرفته است.<sup>۳</sup>

#### ۷/۴) شرح حدیث معرفت نفس «خلق الانسان ذا نفس ناطقة...»

شرح حدیث مفصلی است که به حدیث معرفت نفس کامل معروف است و کامل در آن از علی × در باره معرفت نفس و اقسام آن پرسیده و حضرت پاسخ داده است. علامه مجلسی متن کامل این حدیث را در بحار، نقل نموده است.<sup>۴</sup>

دماوندی شرحی بر این حدیث نوشته و در مفتاح اسرار الحسینی نیز از آن یاد کرده است و شرحش را چنین وصف نموده:

۱ الذریعة، ج ۲۶، ص ۲۷۲؛ طبقات اعلام الشیعة، الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، ص ۴۲۶.

۲ فنخا، ج ۱۹، ص ۴۷۱.

۳ فنخا، ج ۱۹، ص ۶۵۶، به نقل از نشریه نسخه های خطی دانشگاه تهران: دفتر سیزدهم، ص ۳۵۷.

۴ بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی اصفهانی، ج ۵۸، ص ۸۵.

«و فقیر رساله ای علیحده در شرح این حدیث نوشته ام، کسی خواسته باشد رجوع به آن نماید که فواید عظیمه در آن جا هست».

تاکنون يك نسخه از این اثر در کتابخانه آیت الله گلپایگانی، شناسایی شده است.<sup>۱</sup>

#### ۸/۴) فیوضات حسینیّه (= تفضیل الانسان علی القرآن)

دماوندی این اثر را در کربلا، به درخواست میرزا ابوالقاسم درویش، و به فارسی نگاشته است. او در این اثر به تفضیل اهل بیت × بر قرآن کریم قائل شده و با استشهاد به روایات و گفته های فلاسفه متأخرین، مدعای خود را اثبات نموده است. این رساله کوتاه در کتابشناسی ها به دو نام: «فیوضات حسینیّه» و «تفضیل الانسان علی القرآن»، معرفی شده و عالم جلیل القدر شیخ علی اکبر نهاوندی، متن کامل آن را در کتابش جنتان مدهامتان در ضمن «الجنة الاولى» درج نموده است. تاکنون سه نسخه از این رساله شناسایی گردیده است.<sup>۲</sup>

#### ۹/۴) قضاء و قدر

رساله مختصر و مفیدی است در قضا و قدر، که ناظر بر حدیث «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» نگاشته شده است.

او پس از ایراد نظریات اشاعره، به نقض گفتار آنها پرداخته و جبر را باطل کرده و به کلام خواجه نصیر طوسی از تجرید الاعتقاد و گفتار شارح کشف الحق نیز استشهاد جسته است. تاکنون دو نسخه از این رساله: نسخه اول در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد و نسخه دوم در کتابخانه آیت الله گلپایگانی<sup>۳</sup> در قم، شناسایی شده است.<sup>۴</sup>

#### ۱۰/۴) مفتاح اسرار الحسینی

این اثر مهم ترین و مفصل ترین تالیف دماوندی است و در ادامه این نوشتار، به تفصیل معرفی خواهد شد.

۱ کتابخانه آیت الله گلپایگانی، قم، نسخه خطی مجموعه شماره ۲۱۸/۶/۱۶۶۸، برگ «۱۲-۲۲ر».

۲ فنخا، ج ۲۴، ص ۶۶۷، که در آن دو نسخه از این رساله با عنوان فیوضات حسینیّه و ج ۸، ص ۹۰۱، که يك نسخه دیگر از آن با عنوان تفضیل الانسان علی القرآن، معرفی شده است.

۳ فنخا، ج ۲۵، ص ۲۵۱.

۴ مجله تراثنا، ش ۹۳، ص ۳.





#### ۱۱/۴) وحدة الوجود و الموجود لاینافی المذهب الحق

موضوع این رساله اثبات واجب الوجود است. مؤلف در ضمن آن با استناد به احادیث و گفته‌های عرفا و فلاسفه، در صدد آن است تا اثبات کند که وحدت وجود مورد نظر صوفیه و عرفا، منافات با توحید ندارد. تعداد پنج نسخه از این اثر شناسایی شده است.<sup>۱</sup>

#### ۱۲/۴) چند رساله منسوب به دماوندی

در کتابخانه ملک تهران، جنگی فلسفی و عرفانی، نگهداری می‌شود که در اثنای آن، چند مطلب کوتاه، تحریر گردیده، بدین ترتیب:

۱. احادیث فی طریق المعبود (۵۲-۵۳ر)؛ ۲. احادیث فی التوحید (۵۴-۵۵پ)؛ ۳. احادیث فی المومن و علاماته و صفاته (۵۶-۵۷ر)؛ ۴. احادیث متفرقه (۵۸-۶۰ر)؛ ۵. تحقیق و تاویل و شرح احادیث و آیات (۶۴-۷۶ر).

در فهرست آن کتابخانه این مطالب به عنوان پنج رساله معرفی و به عبدالرحیم دماوندی، نسبت داده شده است.<sup>۲</sup> اظهار نظر قطعی در مورد مولف این رساله‌ها، نیازمند به رویت نسخه و بررسی محتوای آنها دارد، که امید است در اثر بعدی - که با عنوان «مجموعه رسائل دماوندی» عرضه خواهد شد - این امر میسر گردد.

#### ۱۳/۴) اشعار دماوندی

اینکه دماوندی شعر می‌سروده یا نه، در مصادر مطلبی در این مورد نقل نشده است. ولی او ابیات و اشعار متعددی را در لابلای کتابش، برای استشهاد درج کرده است. او اغلب این اشعار را، از مثنوی معنوی، گلشن راز، و چند شاعر دیگر نقل نموده، ولی در برخی موارد ابیات مندرجه وی، در هیچ مصدری یافت نشده است. گمان می‌رود این اشعار بدون ماخذ، سروده خود دماوندی باشد.

#### ۵) اساتید

مواد درسی خوانده شده توسط دماوندی و اساتیدی که در نزد آنها تحصیل نموده، به درستی روشن نیست. ولی او در لابلای آثارش، نام چند استادش را ذکر نموده، که عبارتند از:

۱ فنخا، ج ۳۴، ص ۳۲۶.

۲ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۵، ص ۳۵۰. مجموعه شماره ۱۷۳۲، برگ‌های ۵۲ تا ۷۶.

## ۱/۵ محمد صادق اردستانی

دماوندی در در چند مورد از کتاب مفتاح اسرار حسینی، از مولی محمد صادق اردستانی (م ۱۱۳۴ ق) به عنوان استادش یاد کرده است. اردستانی از عارفان و فیلسوفان تاثیرگذار اواخر عهد صفوی است که در سال سقوط صفویه، چهره در نقاب خاک کشیده است. متأسفانه در دایرة المعارف بزرگ اسلامی و دایرة المعارف تشیع و دانشنامه دانش گستر، مدخلی برای شرح احوال و اندیشه های اردستانی، اختصاص نیافته است. تفصیل احوال وی در دانشنامه تخت فولاد، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۶۰، به همراه تصویر مزار وی، به قلم دوست گرامی و دانشمند محمد حسین ریاحی و مرتضی شفیع اردستانی، قابل دسترسی است. در آنجا آمده که وی در سال ۱۰۵۴ ق در چشم به جهان گشوده و در سال ۱۱۳۵ ق هنگام محاصره اصفهان دارفانی را وداع گفته و مزار او هم اکنون در تخت فولاد، زیارتگاه مومنان است.

در فنخا از اردستانی، سه اثر معرفی شده، با این عنوان ها:

۱. رساله در جعل<sup>۱</sup>؛

۲. مراسله در جعل<sup>۲</sup>؛

۳. گواهی قرائت گوهر یگانه توسط محمد حسین<sup>۳</sup> که نسخه آن را در کتابخانه مجلس به شماره ۱۰۱۰۴، معرفی کرده اند.

در دانشنامه تخت فولاد، برای اردستانی، دوازده اثر گزارش شده، که برخی عنوان ها تکراری است، که با حذف مکررات، هشت اثر برای اردستانی در دانشنامه تخت فولاد یاد شده است:

۱. رساله حکمت صادقیه؛ ۲. رساله جعل؛ ۳. رساله در وحدت وجود (عربی)؛ ۴. رساله در تفسیر آیه نور؛ ۵. حاشیه شفا؛ ۶. رساله تباشیر در عرفان؛ ۷. اختیارات الایام و الساعة (فارسی)؛ ۸. کلید بهشت. از هشت عنوان یاد شده، به جز رساله جعل - که قطعاً تالیف اردستانی است و ملا عبدالرحیم دماوندی در چند جا در مفتاح اسرار حسینی از آن یاد نموده - انتساب بقیه آثار به اردستانی محل تردید است.

۱ فنخا، ج ۱۰، ص ۱۲۵.

۲ فنخا، ج ۱۰، ص ۱۲۶.

۳ فنخا، ج ۲۷، ص ۱۷۳.



## رساله جعل اردستانی

مهم‌ترین اثری که از اردستانی تاکنون شناخته شده رساله جعل وی است. در این رساله کوتاه، اردستانی مساله مهم و فلسفی یعنی نحوه جعل اشیاء از سوی باری تعالی را بحث، و نظر خود را بیان کرده است. از ملا محمد صادق اردستانی دو رساله در جعل و هر دو به فارسی در دست است.

اولی رساله کوتاهی است به فارسی که اردستانی آن را در پاسخ پرسش خاکسار علی حسینی نگاشته است. که تصویر دو نسخه از آن در کتابخانه فقیر به شماره (۵۷۳ و ۵۷۴) موجود است.

دیگری رساله ای به نام رساله در جعل به فارسی و باز از اردستانی است که نسخه ای از آن در مجموعه شماره ۵۰۹۳ کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است و دماوندی متن کامل آن را در مفتاح دوم کتاب حاضر درج نموده است.

### ۲/۵ حکیم میرزا حسن (لاهیجی) قمی

دماوندی در مفتاح دوازدهم از کتابش، چنین می نویسد:

«و به فقیر مناجاتی از جناب امیر المؤمنین × رسیده است که مشتمل بر این مطلب عالی است و فواید بیشمار به برکت آن جناب به این عاجز رسیده و می رسد، ان شاء الله و آن مناجات را بعضی عرفا مثل حافظ رجب برسی (قده)، متفرق در کتاب خودش نقل نموده و به این فقیر سند آن مناجات به چند واسطه از عارف محقق میرزا حسن قمی قدس سره رسیده، که میرزا به ترتیبی که مذکور می شود، مسند ساخته است آن را به جناب امیر المؤمنین × که در نزد قبر خاتم الأنبیاء | می خواندند»<sup>۱</sup>

مرحوم استاد سید جلال الدین آشتیانی در تعلیقه بر این موضع، چنین مرقوم نموده اند: مراد او شاید صاحب شمع الیقین فرزند صاحب شوارق باشد.

حکیم میرزا حسن لاهیجی قمی (م ۱۱۲۱ق) فرزند حکیم نامی میرزا عبدالرزاق لاهیجی، و نوه دختری ملا صدرا می باشد. از این عبارت معلوم می شود که دماوندی این دعا را از میرزا

۱ مفتاح اسرار الحسینی، عبدالرحیم دماوندی، ص ۱۴۴.



باشد که هر وقت که خدیو خال یافت تبتیک در بار زرتشت اول است و اینجا  
 نداشتند است نشانه که خدا را تقوی کبیرا به مقام رسد که خود مقدر زرتشت  
 برساند بخیر و آرزویشا لا نواخذنا ان لیسینا او اخطانا ربنا و  
 لا تجعل علینا اعباءا کما حملناه علی الذین من قبلنا ربنا  
 ولا تجعلنا مالا لایاؤنا لنا به و اعف عتانا و اغفر لنا و اجنا  
 انت مولنا فانصرنا علی القوم الکافرین و الحمد لله  
 رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد خاتم النبیین و  
 علی آله الطاهرین و الخلفاء الهادین المهتدین <sup>اللهم</sup> المومنین  
 خیر فی کل وقت و صلاص صلیفان از تصنیف و تالیف در تبتیک است که  
 یکه است که در زرتشتی و طایفه خود است که از تبتیک تصنیف کرده که جدید و عاقل  
 یا در زرتشتی و گوید در رحمت حق علیه و آله که چنانچه در کتاب است که در بیت  
 معارف تبتیک اندر سکت تالیف در زرتشتی و در بار زرتشتی و مقدر از ابهام  
 ساکنان و عافان ابن زرتشتی و محمد <sup>عزیز</sup> در زرتشتی که اگر است یکه  
 عزیز گوید رحمت بر او باد که در وقت تبتیک است که از اساتذت تبتیک وقت  
 انظر یوم الجمعة ثلث عشر شهر جماد الثانی من شهر سنه ثمان و ستین و مائة بعد الف  
 فی غنیمة العلیة سید شهید علیه الرحمة و الشان برستان تو اید سار است  
 اگر قبول زرتشتی رسالت به الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما  
 كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

میراث شهاب

اسرار دماوندیه



حسن به چندین سند اخذ نموده است.

یعنی میرزا حسن لاهیجی، چند سند نقل به دعای یاد شده داشته و همه را به صورت اجازه ذکر و قرائت دعا، به دماوندی عطا نموده است.

### ۳/۵) آقا خلیل اصفهانی

آقای عبد الله صلواتی در مقاله ارزشمند شان که با عنوان «دماوندی؛ عبدالرحیم بن محمد یونس» در دانشنامه جهان اسلام، نوشته اند، آقا خلیل اصفهانی را از اساتید دماوندی ذکر نموده ولی ماخذی برای آن ذکر نکرده اند.<sup>۱</sup>

گویا منظور از خلیل اصفهانی، ملا خلیل بن محمد اشرف قائنی الاصفهانی (م ۱۱۳۶ق) است که شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات، شرح حال وی را آورده است.<sup>۲</sup>

### ۶) شاگردان

به استناد برخی مصادر، چند شخصیت را می توان به عنوان شاگرد دماوندی قلمداد نمود. اسامی آنها عبارت اند از:

### ۱/۶) شهید نصرالله مدرس حائری (شهادت حدود ۱۱۶۸ق)

شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعة، چنین می نویسد:

«عبدالرحیم: من اجلّ اساتذة نصرالله المدرس الحائري الشهيد حدود سنة ۱۱۶۸ق، ولنصرالله هذا مدحٌ جميل لاستاذة الاجلّ صاحب الترجمة موجود في ديوانه».<sup>۳</sup>

گویا منظور از عبدالرحیم، همین شخصیت مورد بحث ما، یعنی عبدالرحیم دماوندی است. زیرا دماوندی سالها مقيم كربلا بوده و عاقبت در این شهر در گذشته است و سید نصرالله مدرس حائری، در كربلا از محضر او استفاده نموده است. متأسفانه دیوان نصرالله مدرس، در دسترس نبود تا اطلاعات بیشتر در این زمینه درج گردد.

۱ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ص ۱۰۳.

۲ طبقات اعلام الشیعة، الكواكب المنتثرة، ص ۲۴۳.

۳ طبقات اعلام الشیعة، الكواكب المنتثرة، ص ۴۲۵.

## ۲/۶) محمد اصفهانی

محمد بن نورالدین محمد اصفهانی، نسخه ای از مفتاح اسرار حسینی را در کربلا در زمان حیات مولف تحریر نموده و در روز جمعه ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ ق، به پایان رسانده است. او در ترقیمه خود از دماوندی با دعای «دام ظلّه العالی» یاد می کند. همچنین در یک مورد در حاشیه آن نسخه، حاشیه ای را با نشان «منه دام ظلّه» از مولف نقل می کند که از آن احتمال شاگردی وی نزد دماوندی، استشمام می گردد.

## ۳/۶) سید عبد الله جزایری

سید عبد الله جزایری، دماوندی را در کربلا ملاقات نموده است. او در کتابش الاجازة الکبيرة از دماوندی یاد نموده و می گوید: «رایتّه بالمشهد و تقاوضنا فی بعض المسائل». او را در مشهد (کربلا) دیدم و با هم در بعضی مسائل گفتگو کردیم.<sup>۱</sup>

## ۴/۶) محمد حسین و برادرش

شیخ آقا بزرگ در طبقات، یکی از شاگردان دماوندی، را ذکر کرده و گفته که او استادش دماوندی را ستوده و گفته که استادم دماوندی، به برادرم محمد حسین نماز شب را یاد داده است. نصّ شیخ چنین است:

«وصفه (عبدالرحیم الدماوندي) بعضُ تلامیذه بقوله: الخبر الملی المبرز للحقایق، استادی وعلیه استنادی. وقال انه علم الاخ الرشید آقا محمد حسین کیفیة صلاة اللیل علی النحو الماثور».

## ۷) عنوان کتاب حاضر و سبب تالیف

چنانچه شد که مفصل ترین اثر دماوندی، کتاب ارزشمند وی مفتاح اسرار حسینی است. این اثر شامل تمامی اندیشه های عرفانی فلسفی دماوندی است. دماوندی قبل از تالیف این اثر، برای بیان برخی اندیشه های خود، اقدام به تالیف رساله های مختصری نموده بود. او در این اثر خلاصه و چکیده رساله های قبلی خود را، به همراه مطالب زیادی از مکاشفات و یافته های فلسفی و عرفانی، درج نموده است و این اثر آینه تمام نمای، آرای دماوندی می باشد.

۱ الاجازة الکبيرة، سید عبد الله جزایری، ص ۱۴۴.

۲ طبقات اعلام الشیعة، الکواکب المنتثرة، ص ۴۲۵-۴۲۶.



## ۱/۷) عنایات امام حسین ×

دماوندی نام کتابش را مفتاح اسرار الحسینی، نهاده است. منظور وی از پسوند «الحسینی» در عنوان کتابش آن است که اسراری را که در این کتاب، به قلم آورده، عنایاتی است که از طریق امام حسین × نصیب او گردیده است. چون او مجاور حرم حسینی بوده و در کتابش هم از امام حسین × به عنوان مرشد خود، مکرر یاد کرده است. پس او تمامی اندیشه های عرفانی و همچنین مکاشفاتی را که در این کتاب، بر کلك قلم جاری ساخته، همه را از گوشه نظر و عنایت آن حضرت می داند.

استاد آشتیانی در مقدمه خود بر مفتاح اسرار، نام آن را «مفتاح اسرار حسینی در شرح اسماء الهیه»، ذکر کرده، که قبل از این گفته شد که اضافه نمودن این پسوند درست نیست و موضوع این کتاب عرفان نظری و عملی و بیان مکاشفات است و بحثی در باره اسماء الهی در آن به چشم نمی خورد، چنانچه خود تصریح می کند:

«در واقع این کتابی است مشتمل بر بعضی اسرار که در کتب و رسائل اکابر عرفا و حکما نیست، کم ترك الاولون للآخرین، و آنچه را اولیاء الله مشاهده نموده اند، دلیلش از اشارات کتاب و سنت در این کتاب مذکور است، و خدای تعالی آن اشارات را به این فقیر الی الله افاضه فرموده اند، که مشاهدات قلبیه وقتی که مؤید است به اشارات کتاب و سنت، نور علی نور است آن مشاهدات؛ و جمیع مراتب و مقامات در کتاب و سنت است، طوبی لمن لقیها.»

## ۲/۷) نام و تاریخ تألیف

دماوندی در مقدمه خود بر مفتاح گوید که:

«و مسمی شده است به مفتاح اسرار الحسینی، موافق تاریخ اتمامش.»

از این عبارت روشن می شود که دماوندی نام کتابش را «مفتاح اسرار الحسینی»، نهاده است. و الف و لام در اول کلمه «حسینی»، جزء نام کتاب است. زیرا که دماوندی نام کتابش را، ماده تاریخ اتمام آن قرار داده و تاریخ تألیف کتاب قطعاً سال ۱۱۶۰ ق است که با عبارت «مفتاح اسرار الحسینی» موافق است. و اگر الف و لام داخل اسم نباشد، عدد سی و یک باید از ۱۱۶۰ ق کسر گردد، که می شود ۱۱۲۹ ق، که درست نیست. زیرا دماوندی در اثنای کتابش

از مکاشفات خود در سال ۱۱۵۴ق یاد کرده است. پس سال تألیف این اثر ۱۱۶۰ق، موافق اعداد ابجدی نام آن «مفتاح اسرار الحسینی»، می باشد.

### ۳/۷) مدت تألیف مفتاح اسرار

آنچه از بررسی نسخه های کتاب به دست می آید، این است که مولف این اثر را در طول چندین سال نوشته و همیشه به استناد مکاشفات و وقایع عرفانی که برایش رخ می داده، در مطالب کتابش تجدید نظر می کرده است.<sup>۱</sup>

### ۸) محتوای کتاب

دماوندی بنا داشته در این اثر، آخرین یافته های عرفانی و سیر وسلوکی خود را برای استفاده سالکین، به قلم آورد. او ابتدا مسائل و اعتقادات توحیدی را که پایه و اساس اصلی سیر وسلوکی صحیح است، بیان می کند تا سالک با داشتن اعتقاد صحیح و درست، قدم در وادی سیر و سلوکی بگذارد. او پس از آن برخی خطاهایی را که عده ای از سالکین گرفتار آن شده اند، بیان می دارد. دماوندی در ادامه مهمترین مسائل عرفانی را که اطلاع از آنها برای سالکین لازم است، به تفصیل به قلم آورده، و کتابش را در یک مقدمه و سی و هفت مفتاح و یک خاتمه، تنظیم نموده است. در اینجا برای اطلاع خوانندگان از ساختار محتوایی کتاب، توضیحات کوتاهی در باره موضوعات مطرح شده در کتاب، ذکر می گردد.

### ۱/۸) توحید باری تعالی

دماوندی هشت مفتاح اول کتابش را به توحید باری تعالی و نفی تشبیه و تجسیم اختصاص داده است، تا سالکان، سلوکی عرفانی خود را بر پایه و اساس توحید صحیح، برگرفته از آیات قرآنی و روایات اهل بیت  $\times$ ، بنا نهند و از خطاها و لغزهای اعتقادی مصون مانند. او در این مفتاح ها، برای تبیین مطالب، در مفتاح دوم متن کامل رساله جعل استادش محمد صادق اردستانی، را درج نموده، که تاکنون، تنها اثر منتشر شده از اردستانی به شمار می رود. همچنین در مفتاح هفتم، به شرح حدیث علوی موسوم به حدیث حقیقت که کمیل از امیر المؤمنین  $\times$  نقل نموده، می پردازد.

۱ برای توضیحات بیشتر در این زمینه به مقدمه کتاب مفتاح اسرار الحسینی رجوع شود.



### ۲/۸ نقد عقاید باطله برخی صوفیه

در مفتاح نهم، مؤلف افکار باطله عده‌ای از مدعیان سلوک را در باره توحید، نقد می‌کند و افکار آنها را در توحید، مانند افکار نصاری می‌داند.

### ۳/۸ یافته‌های عارفان

دماوندی در مفتاح دهم تا سیزدهم، به توضیح یافته‌های عرفا در سیر و سلوک می‌پردازد. او در این مفتاح‌ها، به مرتفع شدن حجاب تعین در نظر شهود عارف، باقی بودن حکم حجاب و بیان فناء فی الله، تفاوت بین فرق و جمع، تفاوت فصل و وصل و حرکت و سکون، می‌پردازد و در مفتاح دوازدهم به مراعات مقام، توصیه می‌کند و در مفتاح سیزدهم، متذکر می‌شود که حضرت احدیت و حقیقت اشیاء، برای احدی، غیر حق تعالی ظهور نمی‌کند.

### ۴/۸ رؤیت حق تعالی

مفتاح چهاردهم، به تحقیق رؤیت حضرت حق و انواع تجلیات الهیه، اختصاص یافته و در مفتاح پانزدهم، درباره به تحقیق طلب رؤیت از سوی حضرت موسی  $\times$ ، پرداخته و در مفتاح شانزدهم چگونگی رؤیت حضرت حق را، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### ۵/۸ فرق وحی و الهام و ...

دماوندی در مفتاح هفدهم تا بیستم، به بیان موضوع علوم و فرق میان وحی و الهام، متحمل شدن اسرار ولایت توسط کُمَّل اولیاء و مرشد شناسی، پرداخته و در ادامه آیه نور را شرح و تفسیر نموده است.

### ۶/۸ در دیدن حضرت پیامبر | در روایا

دماوندی مفتاح بیست و یکم را، به تفسیر و شرح روایت «من رانی فی المنام فقد رآنی» اختصاص داده و بحث‌های کلامی مبسوطی در این باره آورده، و تحقیقات گسترده‌وی در این موضوع، موجب گشته که این مفتاح، از بخش‌های مهم و جذاب این کتاب، باشد. دماوندی در ادامه این بحث، به کاوش درباره عالم مثال و اجساد مثالیّه پرداخته، و قائلین به عدم آنها را ردّ نموده است.

در مفتاح بیست و سوم، دماوندی رؤیای حضرت فاطمه زهراء (س) را نقل و بررسی می‌کند. بر اساس آن خواب، حضرت زهراى اطهر (س) پدر بزرگوارشان را در خواب می‌بیند که از دنیا رفته است. بر این اساس سوال پیش می‌آید که در حالی که حضرت زنده بوده اند چگونه دخترشان در خواب، ایشان را به آن حالت دیده است. مولف مدعی می‌شود که علما تاکنون در حلّ مشکل این خواب در مانده بودند و من به عنایت روحی حضرت فاطمه زهراء (س) توانستم، این معضل را حلّ نمایم.

### ۷/۸) اختلاف مراتب نفوس

مفتاح بیست و چهارم به بیان اختلاف مراتب انسان‌ها از نظر خلقت و رشد درجه ایمان، اختصاص یافته و مولف معتقد است که این مساله از جمله مسایل «مفروغ عنها» و از مسایل بدیهی است. بعد از آن در بیان طبقات مردم، ابتدا از بیانات قرآن کریم آغاز می‌کند که انسانها را به سه دسته: مقربین، اصحاب یمین و اصحاب شمال، تقسیم کرده است. بعد از آن به تقسیماتی که در روایات شیعی در کتاب کافی ذکر شده پرداخته که بر اساس آن ایمان مومنان دارای مراتبی است.

دماوندی سپس به تقسیمات دیگری که در روایات شیعی برای مراتب انسانها بیان شده می‌پردازد. که در آن برخی از نفوس را ملکوتی و برخی را فوق ملکوتی، یعنی جبروتی و در مقابل آن دو، نفوسی را ملکی یعنی خاکی و دنیایی دانسته اند و در پایان به «اول ما خلق الله» می‌پردازد که واسطه آفرینش نفوس مذکور است و آن را عقل می‌داند.

### ۸/۸) صادر اول و انسان کامل

در ادامه دماوندی، سه مفتاح: مفتاح بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و هشتم را، به بحث درباره تطابق عوالم وجود، تحقیق در باره صادر اول و اوصاف انسان کامل، اختصاص داده است.

### ۹/۸) حضرت امام زمان #

نویسنده مفتاح بیست و هشتم را به بحث درباره حضرت مهدی # اختصاص داده و در آن





بدون اشاره صریح به نظرات مخالفین، به ردّ شبهات آنان پرداخته است. به دلیل اهمیت و جایگاه این موضوع در عرفان و سیر و سلوک، دماوندی در مفتاح بعدی، به بیان ختم ولایت، پرداخته و اثبات نموده که مصداق آن حضرت امام # هستند.

### ۱۰/۸ شرح احوال عرفانی مؤلف

مفتاح سی‌ام را دماوندی به بیان سیر و سلوک خود اختصاص داده است. این بخش از ویژگی‌های مهم این کتاب است، زیرا که عارفان کمتر به بیان حالات معنوی و عرفانی رخ داده در اثنای سیر و سلوک شان پرداخته‌اند. ولی دماوندی واردات و حالات روحی خود را با ذکر تاریخ دقیق آنها و نیز حال ظاهری اش در هنگام ورود واردات معنوی بیان نموده، و این فاش‌گویی، موجب شده که این بخش از بخش‌های جذاب این اثر باشد.

### ۱۱/۸ عرفان و سیر و سلوک

هفت مفتاح آخر کتاب به مباحث متعلق به عرفان و سیر و سلوک، اختصاص یافته، و در آنها پیرامون موضوعاتی چون: شراب عرفانی اولیای الهی، ریاضات ارباب حقایق، تحقیق عشق و انواع آن، محاسبه نفس، سیر و سلوک و مراتب آن و بیان منامات و واقعات و مراقبه، تحقیق کشف و قلب و مجاهده نفس، مباحث مهمی مطرح شده است.

دماوندی در مفتاح سی و ششم بیان می‌کند که اولیای الهی انوار را با چشم بصیرت مشاهده می‌نمایند و مفتاح آخر کتابش را - مفتاح سی و هفتم - به بحث توبه سالک و مشغول شدن سالک به ذکر و عبادات، با ارشاد مرشد کامل، پرداخته و در پایان بحث اطوار هفت‌گانه قلب را پیش کشیده است.

### ۱۲/۸ مصادر مؤلف

دماوندی دانشمندی کتاب‌شناس و متتبع بوده و در تدوین این اثر از منابع متعدد و مصادر مختلف، استفاده نموده است. مصادر مورد استفاده دماوندی تنوع زیاد داشته و مصادر تفسیری، روایی، فلسفی، عرفانی و ... را در بر می‌گیرد. تعدادی از مصادر مورد استناد وی هنوز منتشر نشده و به صورت مخطوط یا چاپ سنگی، باقی مانده است.



## ۹) نسخه های خطی کتاب

از مفتاح اسرار الحسينی نسخه های متعددی در دست است. در فهرست دنا تعداد بیست و يك نسخه<sup>۱</sup>، و در فنخا با حذف نسخ تکراری معرفی شده در دنا، تعداد نوزده نسخه از مفتاح اسرار معرفی شده است.<sup>۲</sup> بعد از فنخا هم تعداد سه نسخه دیگر از مفتاح اسرار، شناسایی شده است.<sup>۳</sup> بدین ترتیب تعداد نسخه های شناسایی شده از این اثر، به بیست و دو نسخه بالغ شده است.

### ۱/۹) نسخه تصحیحی استاد آشتیانی

چنانچه قبلاً ذکر شد، استاد سید جلال الدین آشتیانی، برای اولین بار کتاب مفتاح اسرار الحسينی را در مشهد، تحقیق و تصحیح نموده و در ۲۶ ذی حجة الحرام ۱۳۹۶ هجری قمری، به پایان رسانده است. متأسفانه استاد هیچ مشخصاتی از نسخه یا نسخه های خطی کتاب مفتاح اسرار، که تصحیح را از روی آن انجام داده، به دست نداده است. ولی در نسخه چاپی استاد، چهار نوع پاورقی به چشم می خورد، که نشانه استفاده از چند نسخه کتاب است، بدین ترتیب:

۱. اختلاف نسخه هایی با رمز (م)؛

۲. اختلاف نسخه هایی با رمز (ز)؛

۳. اختلاف نسخه هایی بدون علامت؛

۴. تعلیقات توضیحی و تحلیلی که استاد آشتیانی نوشته اند و در انتهای برخی از آنها

امضای «جلال» به چشم می خورد ولی اغلب آنها بدون نام هستند.

از این پاورقی ها معلوم می گردد که استاد، حداقل از سه نسخه خطی مفتاح اسرار استفاده

نموده، ولی مشخصات این نسخه ها معلوم نیست.

۱ دنا، ج ۹، ص ۱۰۲۰.

۲ فنخا، ج ۳۰، ص ۷۶۹.

۳ این سه نسخه عبارتند از: ۱. آستان قدس رضوی، نسخه ش ۱۱۳۰۰؛ ۲ و ۳. کتابخانه مجلس، نسخه ش ۶۷۲ و

ش ۱۹۱۰۷.





## ۲/۹) نسخه‌های استفاده شده در تصحیح جدید

در تصحیح مجدد مفتاح اسرار الحسينی - که با تصحیح اینجانب و از سوی نشر آیت اشراق منتشر شده - نه نسخه کهن و مهم، از این اثر، مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

## ۱۰) نسخه‌های موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی

از تعداد بیست و دو نسخه خطی مفتاح که ذکر شد، تعداد چهار نسخه آن، در بزرگترین گنجینه جهان اسلام، یعنی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی - قدس سره العالی - نگهداری می‌شود. یکی از این نسخه‌ها، کهن‌ترین نسخه این اثر است، که در حضور مولف در کربلا کتابت شده است. مشخصات و ویژگیهای این چهار نسخه، عبارتند از:

### ۱/۱۰) نسخه محمد اصفهانی شاگرد مولف

این نسخه به شماره (۱۵۹۹۱) در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می‌شود<sup>۲</sup> و کهن‌ترین نسخه شناخته شده از این کتاب است. این نسخه نفیس را محمد بن نورالدین محمد اصفهانی، به خط نسخ و نستعلیق زیبا تحریر و در روز جمعه ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ ق، به پایان رسانده است. این نسخه در قطع پالتویی به عرض ۱۳/۵ و طول ۲۳/۵ سانتی متر و دارای ۲۲۲ صفحه، ۱۹ سطری است. اندازه متن نوشته شده در صفحه‌ها، به عرض ۸ و طول ۱۸ سانتی متر، می‌باشد.

کاتب عنوان مفتاح‌ها را به شنگرف و در چند مورد با زنگار و خط جلی نوشته و متن کتاب را به نستعلیق و آیات و ادعیه را به نسخ جلی تحریر نموده است. اصفهانی این نسخه را در کربلا - در محضر مولف - نگاشته و در ترقیمه از مولف با دعای «دام ظلّه العالی» یاد می‌کند. همچنین در یک مورد (برگ ۸) حاشیه‌ای منقول از مولف، با نشان «منه دام ظلّه» تحریر نموده، که در نسخه‌های دیگر این مطلب در متن کتاب قرار گرفته، و از آن معلوم می‌شود که این مطلب را بعداً اضافه نموده، و این نسخه، اساس نسخه‌های دیگر بوده است. متن ترقیمه کاتب در این نسخه چنین است:

۱ برای مشخصات و ویژگی‌های، این نه نسخه، به مقدمه مفتاح اسرار الحسينی، ص ۴۴-۵۱، مراجعه شود.

۲ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۴۰، ص ۴۴۵-۴۴۶.

«چون غرض کلی و مقصود اصلی مصنفان از تصنیف و تألیف و ترتیب کتاب آن است که یادگاری باشد که اگر عزیزی و طالبی بخواند به شکرانه آن نعمت مصنف - دام ظلّه العالی - به ذکر جمیل و دعای خیر یاد آوری نماید و گوید که رحمت حق - جلّ و علا - بر او باد، که چنین معانی را که موجب هدایت طالبان معارف یقینی اند، در سلك تألیف در آورده و بعد از آن این ذره بی مقدار تراب اقدام سالکان و عارفان، ابن نور الدین محمد محمد اصفهانی را، (شعر)

غرض ز این جمله آن تا گر کند یاد

عزیزی گویدم رحمت بر او باد

قد فرغت من كتابة هذه الرسالة الشريفة في وقت الظهر يوم الجمعة ثالث عشر شهر جمادى الثاني من شهور سنة اثنين و ستين و مائة بعد الالف (١١٦٢) في عتبة العليّة سيد الشهداء - عليه التحية و الثنا - (شعر):

بر آستان تو آید سر ارادت ما

اگر قبول تو افتد زهی سعادت ما

قبل از شروع کتاب در صفحه اول آن، یادداشتی به فارسی در اوصاف شیعه تحریر شده و در صفحه دوم این نسخه در بالای صفحه عنوان، مهر بیضوی بزرگ با نقش: «محمد بن مهدی بحر العلوم الحسینی ۱۱۹۶». دیده می شود که گویا متعلق به علامه سید محمد مهدی طباطبایی مشهور به بحر العلوم است. بعد از اتمام کتاب در دو صفحه، ترجمه فارسی حدیث عنوان بصری - بدون نام کاتب و تاریخ کتابت - تحریر شده است.

این نسخه در حضور مولف تحریر شده و تاریخ تحریر آن ۱۳ جمادى الثاني ۱۱۶۲ق، است و این آخرین تاریخ مضبوط، از اواخر عمر مولف بوده و درگذشتش بعد از این تاریخ اتفاق افتاده است.

### ۲/۱۰ نسخه ابراهیم رضوی

این نسخه به شماره ۳۵۲۲ در کتابخانه آیه الله مرعشی، نگهداری می شود و آن را ابراهیم

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۳۶، ص ۴۰۰-۴۰۱.



رضوی<sup>۱</sup> به خط نسخ زیبا و خوانا تحریر و پنجم رمضان ۱۳۳۱ق، به پایان رسانده است. این نسخه دارای ۲۳۶ صفحه، ۱۷ سطری، به طول ۲۲ و عرض ۱۸ سانتی متر است. در حواشی این نسخه نشان «مقابلہ شد» به چشم می خورد.

از روی این نسخه، نسخه شماره ۵۶۰۶ دانشگاه تهران، کتابت گردیده است. این نکته را کاتب نسخه دانشگاه، حسین بن احمد گرجی، که در سال ۱۲۷۲ق نسخه اش را تحریر نموده، در آخر نسخه خود متذکر شده است.<sup>۲</sup>

### ۳/۱۰ نسخه علینقی بن محمد جعفر کبوتر آهنگی

این نسخه در ضمن مجموعه شماره ۹۸۱۸ در کتابخانه آیت الله مرعشی قرار گرفته، که دارای چهار رساله عرفانی است<sup>۳</sup>، با این عنوان ها:

۱. شرح حدیث انا اصغر من ربی بستین، از ملا محمد جعفر بن صفرخان همدانی کبودر آهنگی (م ۱۲۳۹) (پ-۷پ)؛
۲. مفتاح اسرار الحسینی، تحریر ۱۲۷۰ق (پ-۹-۱۰۰پ)؛
۳. جامع کلیات، از دختر قطب الدین نیریزی متخلص به دعا (۱۰۱-۱۴۵پ)؛
۴. مجمع البحار، از مظفر علی کرمانی (م ۱۲۱۵ق) (پ-۱۴۷-۱۸۹ر)؛
۵. دو نسخه پزشکی به نامه های «معجون الفلاسفه» و «حب مشهی هاضم مقوی المعدة» (۱۹۰ر).

این مجموعه دارای ۳۸۰ صفحه و سطور صفحه ها بین ۱۵ - ۱۹ در نوسان است. اندازه نسخه هم به طول ۲۱ و عرض ۱۵ سانتی متر می باشد. رساله اول این مجموعه (شرح حدیث انا اصغر من ربی بستین) را فرزند مولف، علینقی بن محمد جعفر کبوتر آهنگی کتابت نموده، ولی تاریخ کتابت را ذکر نکرده است. باقی رساله های مجموعه به خطی مغایر با خط علینقی تحریر شده و کاتب نامش را ذکر نکرده، و تاریخ تحریر آنها ۱۲۷۰ ق است. در فهرست مرعشی همه رساله های مجموعه به خط علینقی، معرفی شده، که صحیح نیست.

۱ نام کاتب این نسخه در فنخا، ابراهیم بن علی اکبر رضوی، آمده ولی در خود نسخه، ابراهیم رضوی، نوشته است.  
 ۲ ر.ک: فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۴۵.  
 ۳ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۲۵، ص ۱۴۵-۱۴۶، که در آن فقط سه اثر از این مجموعه - رساله اول و دوم و چهارم - معرفی شده، و رساله سوم (جامع کلیات) معرفی نشده است.

### ۱۰/۴) نسخه شماره ۱۴۷۴ کتابخانه آیت الله مرعشی<sup>۱</sup>

کاتب، این نسخه را به خط نسخ زیبا تحریر نموده و بنا داشته عنوان ها را با شنگرف مشخص کند و تا آغاز مفتاح ششم، این کار را انجام داده، ولی بعد از آن جای عنوان ها خالی مانده است. این نسخه در اواخر مفتاح چهاردهم، به پایان می رسد، با توجه به ناتمام ماندن نسخه، نام کاتب و تاریخ کتابت، در این نسخه موجود نیست ولی به قرینه خط و کاغذ، نسخه تحریر آن در اوایل سده سیزده هجری صورت گرفته است. این نسخه، به عرض ۱۵ و طول ۲۱ سانتی متر و دارای ۵۰ صفحه ۲۳ سطری است.

#### منابع

الاجازة الكبيرة، سید عبد الله جزائری، تحقیق محمد سمایی حائری، قم کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۹ ق.

تراجم الرجال، سید احمد اشکوری، بغداد، دار الکفیل، ۱۴۳۹ ق، چاپ ۴، ۴ ج. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، مدخل «دماوندی»، نوشته علیرضا ذکاوتی قراگزلو. دایرة المعارف تشیع، جلد ۷، مدخل «دماوندی»، نوشته عبد الله صلواتی.

دنا (فهرستواره دستنوشته های ایران)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۸۹ ش، ۱۲ ج.

طبقات اعلام الشيعة (الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة)، شیخ آقا بزرگ طهرانی، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ش.

طرائق الحقائق، محمد معصوم نایب الصدر معصوم علیشاه شیرازی، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران، ۱۳۵۲-۱۳۴۹ ش، ۳ ج.

فنخا (فهرستگان نسخه های خطی ایران)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳-۱۳۹۱ ش، ۴۵ ج.

فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی

۱ همان، ج ۴، ص ۲۶۶-۲۶۷.



نجفی، ج ۴۲ و ۴۴.

مرآت الحق، محمد جعفر کبودر آهنگی همدانی، با تصحیح و مقدمه دکتر جواد نوربخش، تهران، خانقاه نعمت الهی، ۱۳۵۳ ش.

مفتاح اسرار الحسینی، عبد الرحیم دماوندی، با تحقیق و تصحیح و مقدمه علی صدرایی خویی، قم، انتشارات آیت اشراق، پاییز ۱۳۹۸ ش، وزیری، ۴۸۰ ص.

منتخباتی از آثار حکمای الهی از میر داماد تا زمان حاضر، سید جلال الدین آشتیانی، چاپ اول، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۵ ش، ۴ ج.

